



## بررسی عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع بانکی در ایران (در چارچوب یک الگوی پانل پویای سیستمی)

مهدی قائمی اصل<sup>۱</sup>

سیدعلی حسینی ابراهیم آباد<sup>۲</sup>

حسن حیدری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

### چکیده

درآمدهای غیرمشاع، به دلیل دریافت کارمزد به صورت نقدی و در نتیجه، ایجاد جریان نقد برای بانک و همچنین ریسک پایین نسبت به درآمدهای مشاع، باعث روی آوردن اکثر بانک‌ها به سمت اینگونه درآمدها شده است. بنابراین این پژوهش عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع بانکی در ایران را با تاکید بر زیرساخت‌های فیزیکی، الکترونیکی و انسانی در چارچوب یک الگوی پانل پویای سیستمی با بهره‌گیری از داده‌های ۲۶ بانک، مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای نقدینگی، سطح سرمایه‌گذاری مستقیم، تعداد شعب و تعداد شعب سوئیفتی بر روی درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها بی‌تاثیر و در مقابل متغیرهای بازده دارایی‌ها، تولید ناخالص داخلی، بانکداری الکترونیک و نیروی انسانی دارای تاثیر مثبت و متغیر تورم دارای تاثیر منفی و معنی‌داری بر درآمدهای غیرمشاع بانکی هستند. بر این اساس، اصلاح ساختار و الگوی بکارگیری زیرساخت‌های فیزیکی و تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی و انسانی می‌تواند تاثیر بسزایی بر افزایش درآمدهای غیرمشاع بانکی و افزایش سود خالص بانک در جایگاه یک بنگاه اقتصادی داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** درآمدهای غیرمشاع، بانکداری الکترونیک، سرمایه انسانی الگوی پانل پویای سیستمی.

**طبقه بندی JEL:** H27، O18، C23

۱- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.ghaemi@khu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. s.ali.hoseini1393@gmail.com

۳- استاد اقتصاد دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. h.heidari@urmia.ac.ir

## ۱- مقدمه

هدف اصلی یک بنگاه اقتصادی کسب سود و حداکثرسازی ثروت سهامداران می‌باشد و با خصوصی شدن بانک‌ها، سودآوری برای سهامداران و ذینفعان، بیش از پیش مورد توجه مدیران قرار گرفته و به اولویت اصلی بانک‌ها مبدل گردیده است. پونسه<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) معتقد است که سیستم مالی اقتصاد را قادر می‌سازد تا مولدتر باشد زیرا به سرمایه‌گذاران با منابع محدود این اجازه را می‌دهد که از پس‌انداز افرادی که دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری هستند استفاده کنند. به همین دلیل اطلاع از سودآوری بانکی بسیار مهم است. سودآوری بالاتر بانک‌ها نه تنها به آن‌ها کمک می‌کند تا پول بیش‌تری برای عطا و اعتبار دادن به اقتصاد ایجاد کند، بلکه برای تنظیم‌کننده‌ها نیز مهم است زیرا حتی در محیط‌های کسب و کار پرخطر انعطاف‌پذیری بیش‌تر سرمایه را تضمین می‌کند. پاتل و بانوشالی<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) سودآوری را یک پارمتر کلیدی کارایی در بخش بانکی می‌دانند که نشان‌دهنده استفاده موثر از تمام منابع در یک سازمان است. ایشان چالش‌های کنونی پیش‌روی بانک‌ها را تغییرات مکرر در فن‌آوری مورد نیاز برای بانک‌داری مدرن، افزایش رقابت، سطح نگران‌کننده دارایی‌های غیرمستقیم، افزایش انتظارات مشتری، افزایش فشار بر سودآوری و غیره بیان می‌کنند.

درآمدهای مشاع و درآمدهای غیرمشاع دو قسمت اصلی تشکیل دهنده درآمد بانک‌ها در سیستم بانک‌داری اسلامی می‌باشد. بخشی از درآمد بانک که به واسطه مشارکت با افراد به دست می‌آید درآمد مشاع نام دارد که این درآمد ناشی از اختلاف نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی و همچنین سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌هایی است که توسط بانک انجام می‌گیرد. درآمدهای غیرمشاع شامل آن بخش از درآمدهای بانکی است که متعلق به سپرده‌گذاران نمی‌باشد مانند انواع کارمزدها شامل کارمزد انواع ضمانت‌نامه بانکی، کارمزد حواله چات، حق الوکاله و کارمزد حاصل از فروش اوراق مشارکت، که این نوع درآمدها متعلق به مالکان و سهامداران بانک است. در گذشته، به دلیل تفاوت زیاد بین نرخ‌های سود دریافتی با سود پرداختی، بانک‌ها بخش اعظم درآمد خود را از محل تفاوت بین سود دریافتی از تسهیلات و سود پرداختی به سپرده‌گذاران کسب می‌کردند، اما طی سال‌های اخیر با توجه به کاهش تفاوت بین نرخ سود دریافتی از تسهیلات و نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران و همچنین تمایل مشتریان به سپرده‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه، افزایش بهای تمام شده پول، حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها از محل درآمدهای مشاع به شدت تنزل یافته است و باعث شده است که بانک‌ها تمایل چندانی به کسب درآمد از محل درآمدهای مشاع نداشته باشند و در مقابل کسب درآمد از محل درآمدهای غیرمشاع، به دلیل دریافت کارمزد به صورت نقدی و در نتیجه، ایجاد جریان نقد برای بانک و همچنین ریسک پایین نسبت به درآمدهای مشاع، باعث روی آوردن اکثر بانک‌ها به سمت اینگونه درآمدها شده است.

وجود مطالبات معوقه، خطر ورشکستگی و نیاز شدید بانک‌ها به منابع جدید درآمدی برای سودآوری باعث شده درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها روبه‌روز در حال افزایش باشد. بنابراین ضرورت بررسی درآمدهای غیرمشاع، نویسندگان این پژوهش را بر آن داشت تا با معرفی بخش‌های درآمدی بانک‌ها، به تبیین اهمیت کسب درآمدهای غیرمشاع در پرتفوی درآمد بانک‌ها پرداخته و عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع بانکی در ایران را با تاکید بر زیرساخت‌های فیزیکی، زیرساخت‌های بانک‌داری الکترونیک و سرمایه انسانی در چارچوب یک الگوی پانل پویای سیستمی بررسی کنند. از این‌رو این مقاله در ۵ بخش تدوین گردیده است. بعد از مقدمه در بخش دوم مبانی نظری، در بخش سوم روش تحقیق، در بخش چهارم نتایج پژوهش و نهایتاً در بخش پنجم نتیجه‌گیری پژوهش ارائه شده است.

## ۲- ادبیات پژوهش

بسیاری از افراد جمع‌آوری وجوه و پرداخت آن در قالب تسهیلات را وظیفه اصلی بانک می‌دانند. اما واقعیت امر این است که سهم کسب درآمد از محل ارائه خدمات بانک‌ها به‌طور چشمگیری در حال افزایش است. منابع درآمدی بانک‌ها شامل سود اعطای تسهیلات و کارمزد عملیات بانکی است. درآمد عملیاتی (درآمد مشاع) بانک‌ها در واقع مابه‌التفاوت نرخ سود پرداختی است. منابع درآمدی کارمزدهای بانک (درآمد غیرمشاع) می‌تواند شامل مواردی نظیر کارمزدهای ناشی از عملیات ارزی، نقل و انتقال وجوه مشتریان، خدمات الکترونیکی، صدور حوالجات و غیره باشد (فرهنگ و همکاران<sup>۳</sup>؛ ۱۳۹۵، ص ۲). از آن‌جا که هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع می‌باشد، در بخش مبانی نظری این عوامل مورد کنکاش و جست‌وجو قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- مبانی نظری

بانک‌ها نقش مهمی در هدایت پس‌اندازها به وام‌گیرندگان و واسطه‌گری سیستم پرداخت‌ها دارند. گورتون و وینتون<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) معتقدند که بانک‌های کارآمد، رشد اقتصادی بلندمدت را تسریع می‌کنند. ایشان زیان بازارهای نوظهور در حال رشد از بحران‌های بانکی سال‌های اخیر را بیش از ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها می‌دانند. به‌همین دلیل بانک‌ها درصدد افزایش بهره‌وری و سودآوری می‌باشند و توجه ویژه به افزایش درآمدهای غیرمشاع خود دارند. یکی از عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع بانک‌داری الکترونیکی می‌باشد.

فناوری اطلاعات و استفاده گسترده از ارتباطات اینترنتی، شیوه زندگی مردم و رفتار اجتماعی را، به‌ویژه از نظر مدیریت پول، تغییر داده است. امروزه بیش تر معاملات از طریق فضای سایبری انجام می‌گیرد. ابزارهایی مانند دستگاه‌های خودپرداز (ATM)، تلفن بانک و پایانه‌های فروش (POS) در مجموعه بانکداری الکترونیکی قرار می‌گیرند. تونی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) مزیت هزینه‌ای، کاهش ریسک و سودآوری بالا را سه دلیل عمده بانک‌ها در تمایل به استفاده از بانکداری الکترونیکی می‌دانند. وانگ و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که این ازدیاد تقاضای تجارت الکترونیک نیاز به پیشرفت در طراحی و تحویل خدمات مالی شخصی دارد و بانک‌های مبتنی بر شعب سنتی را وادار به ارائه خدمات به مشتریان به‌صورت آنلاین می‌کند. اعتقاد میهمی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) بر این است که بانکداری الکترونیکی هزینه‌های بانکی را کاهش می‌دهد و از این طریق موجبات افزایش درآمد بانک‌ها را فراهم می‌کند. حسینی و فرامرزی عباد معتقدند بانکداری الکترونیک به‌وسیله کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری بانک، افزایش سرعت در ارائه خدمات به مشتریان و دسترسی آسان و شبانه‌روزی مشتریان به خدمات توانسته است از قید زمان و مکان آزاد شده و جایگاه اقتصادی ویژه‌ای برای خود ایجاد کند (حسینی و فرامرزی عباد<sup>۸</sup>: ۱۳۹۵، ص ۱۴۸). راثی و محرابی<sup>۹</sup> (۱۳۹۵) در اهمیت بانکداری الکترونیک بیان می‌دارند که امروزه ارائه خدمات بانکی توسط شبکه صورت می‌پذیرد و این پدیده شکل‌های جدیدی از رقابت را میان بانک‌ها ایجاد نموده است که در این صورت بانک‌ها ناچار هستند جهت قرار گرفتن در خط توسعه خود را با شکل جدیدی از بانکداری با نام بانکداری الکترونیکی همگام سازند. ایشان معتقدند فن‌آوری اطلاعات با تسریع عملیات‌ها، فرآیندها، کاهش هزینه‌ها، بهبود کارایی کارکنان و سازمان و غیره مزایای بسیاری را برای سازمان‌ها ایجاد می‌کند. از مهم‌ترین مزایای به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات در صنعت بانکداری الکترونیک می‌توان به کاهش هزینه‌های ارائه خدمات بانکی و نقل و انتقال پول و افزایش رقابت بین بانک‌ها و بالا رفتن کیفیت خدمات اشاره کرد که در نهایت موجبات بهینه‌سازی صنعت بانکداری را فراهم می‌کند.

سرمایه انسانی از دیگر عوامل موثر بر درآمدزایی و بهبود کارایی بانک‌ها می‌باشد. بونتیس<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) سرمایه انسانی را ذخیره دانش سازمان می‌داند که به‌وسیله کارکنانش نشان داده می‌شود. روس و روس<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) سرمایه انسانی را به مهارت و آموزش کارکنان یک سازمان نسبت می‌دهند. دهند. ایشان معتقدند تیزهوشی کارکنان یک سازمان متضمن مولفه‌های رفتاری آنان می‌باشد. لوتانز و یوسف<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۴) بیان می‌دارند وقتی که سرمایه انسانی افزایش می‌یابد کارکنان اطلاعات و مهارت‌های تخصصی را کسب می‌کنند که این امر باعث می‌شود آنان ارتباط موثرتری برقرار کنند که در نتیجه موجبات کاهش خطاهای تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد سازمان را فراهم می‌کند.

کلمبو و گرلیلی<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۵) دریافتند که شرکت‌هایی که دارای سرمایه انسانی بیش‌تر (به عنوان مثال آموزش عالی یا مهارت بالاتر) هستند احتمالاً کارآفرینی بالاتری خواهند داشت. هشیو<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۷) نیز معتقد است تا زمانی که سرمایه انسانی توسعه یابد، کارکنان می‌توانند عملکرد شغلی خود را بهبود بخشند که موجب افزایش کارایی و سودمندی شرکت خواهد شد. وو و چو<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۷) دانش نیروی انسانی را یکی از عناصر سرمایه فکری می‌دانند. زو و هان<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۱) مدیریت موثر سرمایه فکری را نه تنها باعث افزایش ارزش کسب و کار می‌دانند، بلکه معتقدند که واحدهای تجاری با بهبود مدیریت سرمایه فکری قادرند توان رقابتی خود را افزایش دهند. نواز و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۷) سرمایه فکری را ضریب فکری ارزش افزوده و زیرمجموعه‌های آن، یعنی بازده سرمایه انسانی، بازده سرمایه ساختاری و بازده سرمایه به‌کار گرفته شده تعریف می‌کنند. ایشان مدیریت موثر سرمایه فکری را به‌عنوان مهم‌ترین منبع ایجاد ارزش و مزیت رقابتی سازمان‌های مدرن، از جمله صنعت خدمات مالی، معرفی می‌کنند. همچنین از نظر آن‌ها سرمایه انسانی دارای هویت و علیت شکننده است و تنها یک قدرت منحصر به فرد برای افزایش خلاقیت و یا تثبیت بهترین عملکرد را دارد.

یکی دیگر از عوامل موثر بر درآمدزایی بانک‌ها به‌ویژه در کشورهایمانند ایران که هنوز بانکداری سنتی جایگاه ویژه‌ای در آن‌ها دارد، سهولت دسترسی و تعدد شعب بانکی می‌باشد. بالا بودن تعداد شعب بانک‌ها معمولاً یک نکته مثبت تلقی می‌شود چرا که هر چه تعداد شعبه‌های یک بانک بیش‌تر باشد تعداد مشتریان و به‌طور کلی درآمد بانک بیش‌تر خواهد بود. البته این امر در سال‌های اخیر و با ظهور و گسترش بانکداری الکترونیکی و اینترنتی کمرنگ‌تر شده است. امینی و همکاران<sup>۱۸</sup> (۱۳۸۸) در این زمینه معتقدند که در بانکداری سنتی، مردم برای استفاده از خدمات بانکی ملزم به مراجعه به شعب بانک هستند، بنابراین گسترش شعب بانک‌ها موجبات افزایش دسترسی مردم به بانک برای دریافت خدمات را فراهم می‌کند و از این‌رو سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها افزایش می‌یابد.

هالکوس و سالاموریس<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۴) معتقدند نسبت‌های مالی مانند بازده کل دارایی‌ها (ROA)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) و بازده سرمایه‌گذاری‌ها قادرند به ارزیابی و بررسی عملکرد بانک‌ها کمک کنند. عزیز و همکاران<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۷) در این رابطه بیان می‌دارند که هرچه قدر این نسبت‌های مالی بالاتر باشد، سودآوری بانک‌ها بیش‌تر خواهد بود. کاسیو و همکاران<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند هرچه قدر که بازده کل دارایی‌های بالاتر باشد نشان دهنده این می‌باشد که بانک توانسته است بازدهی بالاتری در هر واحد دارایی ایجاد کند.

پتريا و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۵) عوامل موثر بر سودآوری بانکها را به دو گروه عمده تقسیم کردند که عبارت است از: عوامل مخصوص بانک (داخلی) و عوامل صنعتی و کلان (خارجی). عوامل داخلی که بر سودآوری تاثیر می‌گذارند عبارتند از: اندازه بانک، ساختار مالی، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ترکیب کسب و کار، ساختار هزینه - درآمد و کفایت سرمایه<sup>۲۳</sup> و عوامل خارجی تمرکز بازار<sup>۲۴</sup>، رشد اقتصادی و تورم می‌باشد. ایشان در ارتباط با اثرگذاری رشد اقتصادی بر سودآوری بانک معتقدند که رشد اقتصادی پیامدهای متعددی از جمله افزایش فعالیت‌های بانک را دارد. در واقع وقتی که فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد، تقاضا برای وام‌ها و سپرده‌ها کاهش می‌یابد و اثر منفی بر حاشیه سود بانک می‌گذارد. همچنین آن‌ها اعتقاد به یک رابطه مثبت بین نرخ تورم و عملکرد بانک دارند. بدین نحو که افزایش (پیش‌بینی شده) نرخ تورم موجب افزایش نرخ بهره وام‌ها می‌شود، در نتیجه سودآوری بانک را افزایش می‌دهد. همچنین تاباک و همکاران<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۷) رابطه مثبت بین تورم و سودآوری بانک را نشانه‌ایی از توانایی بانک در پیش‌بینی تورم می‌دانند. حسینی و فرامرزی‌عباد (۱۳۹۵) در باب تاثیر تولید ناخالص داخلی بر سودآوری بانکها بر این باورند که در دوران رونق اقتصادی تمایل به سرمایه‌گذاری و تقاضای وام افزایش می‌یابد. با افزایش اعطای وام و تسهیلات، درآمدهای مشاع بانکها افزایش می‌یابد و این افزایش درآمد بانکها سود آنان را افزایش می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین عناصر داخلی در سیستم بانکی، نقدینگی می‌باشد. به عقیده شمسایی و همکاران<sup>۲۶</sup> (۱۳۹۵) دارار بودن حجم نقدینگی مطلوب در بانکها از اهمیت ویژه‌ایی برخوردار است زیرا کمبود نقدینگی بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستگی مواجه می‌کند. از طرف دیگر مازاد نقدینگی به معنای تخصیص ناکارآمد منابع است که فرجام این امر می‌تواند منجر به از دست دادن بازار شود. درباره ارتباط بین نقدینگی و سودآوری بانکها تقریباً تمامی محققین بر این عقیده‌اند که نقدینگی بالاتر تاثیر مثبتی بر سودآوری بانکها دارد<sup>۲۷</sup>. البته آنان معتقدند نقدینگی بیش از حد باعث تخریب و کاهش سودآوری بانکها می‌شود. دلیل این امر این است که نگهداری دارایی‌های نقدی در بانکها هزینه فرصت ایجاد خواهد کرد و هنگامی که بانکها نقدینگی بیش از حد نگهداری کنند این هزینه فرصت افزایش پیدا خواهد کرد و در نتیجه موجب کاهش سودآوری بانک می‌شود. (Aziz, et al.: 2017, p 78).

## ۲-۲- پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین مطالعاتی که در خارج از کشور در این زمینه انجام شده است می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود:

صيام<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای که طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۴ بر روی بانک‌های اردن انجام داد نتیجه گرفت که خدمات بانکداری الکترونیک در بلندمدت اثری مثبت و معنی‌دار بر سودآوری بانک‌های اردن خواهد گذاشت لیکن در کوتاه‌مدت این اثر منفی خواهد بود. زرنلر و همکاران<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۸) تأثیر سرمایه‌ی فکری بر عملکرد صادرات در صنعت قطعات اتومبیل ترکیه را مورد بررسی قرار دادند. ایشان نتیجه گرفتند که بهبود عملکرد صادراتی بنگاه‌های تجاری که از انباشت سرمایه‌ی فکری بیش‌تری در جنبه‌های سرمایه‌ی ساختاری، سرمایه‌ی کارکنان (انسانی) و سرمایه‌ی مشتری برخوردارند نسبت به بنگاه‌هایی که فاقد چنین سرمایه‌ای هستند بهتر است. لو و همکاران<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۰) در مقاله‌ای اثر کثرت دستگاه‌های خودپرداز را بر کارایی هزینه بانک‌ها در کشور تایوان طی دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ مورد کنکاش قرار داده و بیان کرده‌اند که به‌کارگیری دستگاه‌های خودپرداز توانسته است، هزینه‌ها را کاهش دهد و از طریق کاهش هزینه، بانک‌ها توانسته‌اند به سطح عملکرد بالاتری دست یابند. ایشان به‌کارگیری دستگاه‌های خودپرداز را موجب کاهش هزینه‌های عملیاتی از طریق حذف عملیات دستی می‌دانند. زو و هان<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد صنعت بانکداری چین را طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۹ بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که کارایی سرمایه به‌کارگرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری دارای تأثیر منفی و کارایی سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت بر کارایی فنی است. اخیسر و همکاران<sup>۳۲</sup> (۲۰۱۵) طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۳ با استفاده از رویکرد پنل دیتای پویا تأثیر بانکداری الکترونیک را بر بازدهی حقوق صاحبان سهام بانک‌های ۲۳ کشور مطالعه کردند. نتایج حاکی از آن است که تعداد پایانه‌های فروش و تعداد استفاده‌کنندگان از بانکداری الکترونیک تأثیر منفی و تعداد کارت‌های صادره و نسبت تعداد دستگاه‌های خودپرداز به تعداد شعب تأثیر مثبت و معنی‌دار روی سودآوری بانک‌ها داشته است. پتريا و همکاران<sup>۳۳</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای که با استفاده از مدل داده‌های تابلویی و برای سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۱ برای بانک‌های اتحادیه اروپا انجام دادند دریافتند که تولید ناخالص داخلی (به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی) اثر مثبت و معناداری روی سودآوری بانک‌ها دارد اما تورم روی سودآوری در این مطالعه بی‌اثر است. الالایا و الخاتب<sup>۳۴</sup> (۲۰۱۵) در جستاری عوامل اثرگذار بر سودآوری ۱۳ بانک در کشور اردن طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۴ را با استفاده از داده‌های پنلی و رویکردهای حداقل مربعات معمولی در الگوی تلفیقی<sup>۳۵</sup>، حداقل مربعات معمولی تلفیقی<sup>۳۶</sup> و اثرات ثابت<sup>۳۷</sup> بررسی کردند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر منفی اعطای وام، تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم بر سودآوری بانک‌ها و تأثیر مثبت نسبت مجموع سپرده‌ها به مجموع دارایی‌ها و نسبت مجموع دارایی خالص به مجموع دارایی‌های بانک‌ها

بر سودآوری آنان بود. عزیز و همکاران<sup>۳۸</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به تحلیل رابطه بین مدیریت نقدینگی و سودآوری در یکی از مهم‌ترین بانک‌های اسلامی در منطقه کردستان عراق طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پرداختند. ایشان با تجزیه و تحلیل وضعیت مالی بانک و همبستگی پیرسون<sup>۳۹</sup> مورد نظر دریافتند که مدیریت بهتر نقدینگی با سودآوری بیش‌تری همراه است. البته در بین سال‌های مطالعه رابطه بین نقدینگی و سود در این بانک منفی ارزیابی شده است. نواز و همکاران<sup>۴۰</sup> (۲۰۱۷) تأثیر منابع نامشهود یعنی سرمایه فکری را بر عملکرد مالی ۶۴ موسسه مالی اسلامی در ۱۸ کشور مختلف در دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۱ با استفاده از رویکرد روش شناسی ضریب ارزش افزوده (VAIC) مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری<sup>۴۱</sup> و عملکرد حسابداری بر اساس بازده کل دارایی‌ها برقرار است. در ادامه ایشان نتیجه گرفتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین عملکرد حسابداری و کارایی سرمایه به‌کار گرفته شده<sup>۴۲</sup> و بازده سرمایه انسانی<sup>۴۳</sup> وجود دارد اما رابطه معنی‌داری بین بازده سرمایه ساختاری<sup>۴۴</sup> و عملکرد حسابداری برقرار نیست. تاباک و همکاران<sup>۴۵</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با استفاده داده‌های پنلی برای ۵۱ کشور عوامل موثر بر سودآوری بانک‌ها در این کشورها را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای کلان اقتصادی مانند چرخه تولید ناخالص داخلی، شاخص حقوق مالکیت و شاخص آزادی مالی به‌خوبی می‌توانند درآمد و سودآوری بانک‌ها را توضیح دهند. ایشان نتیجه گرفتند که رشد فعالیت‌های اقتصادی از طریق اعطای وام می‌تواند بر سود خالص درآمد<sup>۴۶</sup> اثر بگذارد. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت بین شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) و سودآوری بانک‌ها بود. در انتها ایشان دریافتند که به‌طور کلی، ساختار بازار و نهادهای کشورهای نقش مهمی در تعیین سودآوری بانک‌ها ایفا می‌کنند، لیکن سپرده‌های سرمایه نیز بر سودآوری در قالب یک مدل غیر خطی تأثیر می‌گذارند.

در انتهای این بخش به مهم‌ترین مطالعات داخلی که قرابت بیش‌تری با موضوع مطالعه حاضر دارد پرداخته می‌شود.

فطرس و بیگی<sup>۴۷</sup> (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی سه مؤلفه‌ی سرمایه‌ی فکری یعنی، سرمایه-ی انسانی، سرمایه‌ی ساختاری و سرمایه‌ی مشتری و روابط داخلی آن‌ها در دو بخش صنعت بانکداری دولتی و خصوصی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و روابط خطی ساختاری پرداختند. نتایج پژوهش براین دلالت دارند که در بانکداری دولتی، بالاترین میزان اثرگذاری به-ترتیب مربوط به سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی ساختاری و سرمایه‌ی مشتری است. در حالی که در بانکداری خصوصی، بالاترین میزان اثرگذاری به-ترتیب مربوط به سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی



مشتری و سرمایه‌ی ساختاری است. با این تفاوت که سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی مشتری در بخش خصوصی و سرمایه‌ی ساختاری در بخش دولتی در مقایسه با بخش دیگر اثرگذاری بیش‌تری بر عملکرد دارند. نمازی و ابراهیمی<sup>۴۸</sup> (۱۳۸۹) با استفاده از یک روش قانون‌مند تحت عنوان روش پله‌ای<sup>۴۹</sup> کارایی فنی ۱۰ بانک تجاری و تخصصی در ایران را در سال ۱۳۸۷ محاسبه کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که سه متغیر اصلی که بیش‌ترین تأثیر را بر کارایی بانک‌های تحت بررسی دارند، عبارتند از: میزان دارایی‌های ثابت، تعداد کارکنان و مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم (inv). اسدزاده و کیانی<sup>۵۰</sup> (۱۳۹۱) با استفاده از داده‌های تابلویی طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۸ در قالب یک مدل اقتصاد سنجی با اثرهای ثابت، اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات (شامل پایانه فروش، پایانه شعب و دستگاه خودپرداز) را بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران بررسی کردند. نتایج نشان داد که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های ایران دارد. عباس‌زاده و همکاران<sup>۵۱</sup> (۱۳۹۳) به بررسی و تحلیل عملکرد ۱۸ بانک ایران در به-کارگیری فناوری‌های مطرح در بانکداری الکترونیکی با استفاده از روشی ترکیبی از دو روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) در سال ۱۳۸۹ پرداختند. ایشان دریافتند که از بین ۶ متغیر ورودی و خروجی، ترکیب حاصل از ۲ متغیر ورودی "هزینه‌های عملیاتی" و "تعداد کارکنان بانک" به همراه ۲ متغیر خروجی "درآمد عملیاتی" و "تعداد مجموع تراکنش‌های دستگاه‌های ATM، پایانه فروش و شعب" به عنوان مناسب‌ترین ترکیب از متغیرها برای بررسی کارایی بانک‌های مورد مطالعه هستند. راثی و محرابی (۱۳۹۵) با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی تأثیر نقش فن‌آوری اطلاعات در بهبود عملکرد سازمانی در سیستم‌های بانکداری هوشمند ایران پرداختند. نتایج نشان‌دهنده تأثیر معنادار و مثبت شاخصه‌های؛ کارایی عملیات، اثربخشی در هزینه، قابلیت اطمینان (پایایی)، قابلیت انتخاب (تنوع) و دقت بر بهبود عملکرد سازمانی در چهار بعد مالی، مشتریان، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری در سیستم‌های بانکداری هوشمند است. حسینی و فرامرزی عباد (۱۳۹۵) در پژوهشی اثر گسترش بانکداری الکترونیکی بر بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) در هشت بانک منتخب فعال در بورس طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و داده‌های تابلویی را آزمون کردند. نتایج پژوهش ایشان حاکی از آن است که گسترش دستگاه‌های خودپرداز در شعب بانکی و برخورداری بانک‌ها از سهم بالاتر ابزارهای الکترونیکی به کل پایانه‌های فروش و تولید ناخالص داخلی حقیقی تأثیر مثبت و معناداری بر بازده حقوق صاحبان سهام در نمونه منتخب داشته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ پژوهش داخلی و یا خارجی به‌طور مسقیم به بررسی عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع که امروزه یکی از مهم‌ترین منابع کسب درآمد و سودآوری برای بانک‌های ایران است نپرداخته است. از این‌رو وجه تمایز این مطالعه با مطالعات پیشین در آن است که در پژوهش حاضر عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع بانکی در ایران با تاکید بر زیرساخت‌های فیزیکی، زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک و سرمایه انسانی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است.

### ۳- روش پژوهش

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی عوامل موثر بر درآمدهای غیرمشاع در صنعت بانکداری ایران است. نمونه مورد بررسی داده‌های سالانه ارسالی ۲۶ بانک به بانک مرکزی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. با بهره‌گیری از مطالعات دی‌بندت و دیویس<sup>۵۲</sup> (۲۰۰۰)، بیکر و هاف<sup>۵۳</sup> (۲۰۰۲) و جعفری<sup>۵۴</sup> (۱۳۹۱) متغیرهای زیر به‌عنوان عوامل اثرگذار بر درآمدهای غیرمشاع در این پژوهش به‌کار گرفته شده‌اند:

«تعداد شعب بانک‌ها» به‌عنوان زیرساخت‌های فیزیکی برای ارائه حضوری خدمات بانکی، «تعداد شعب سوئیفتی» به‌عنوان شاخص ارائه خدمات بانکداری الکترونیک در محل شعبه، «تعداد دستگاه‌های خودپرداز، تعداد کارت‌های بانکی صادرشده، تعداد دستگاه‌های کارتخوان و شعب آنلاین» به‌عنوان شاخص برخورداری از زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک، «تعداد نیروی انسانی برخوردار از تحصیلات عالی تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)» به‌عنوان سرمایه انسانی، «تقدینگی بانک»، «حجم سرمایه‌گذاری مستقیم» و «بازده دارایی»<sup>۵۵</sup> (با نسبت سود خالص به دارایی‌های کل<sup>۵۶</sup>) به‌عنوان متغیرهای کنترلی و «تورم» و «تولید ناخالص داخلی» به‌عنوان متغیرهای برون‌بانکی.

در این پژوهش الگوی داده‌های پنل دیتای پویا به‌روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی و با کمک نرم‌افزار Stata 14 مورد تخمین و سنجش قرار گرفته است.

از جمله الگوهای مطرح در اقتصاد سنجی پنل الگوهای پویا می‌باشند. در یک الگوی پویای پنل متغیر وابسته به‌صورت تاخیری در سمت راست معادله الگو مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک الگوی ساده پویای پنل به صورت معادله (۱) است.

$$Y_i = \alpha + \delta Y_{i-1} + X'_i \beta + U_{it} \quad (1)$$

بارو و لی<sup>۵۷</sup> (۱۹۹۶) در ارتباط با معادله فوق بیان داشتند که اگر اثرهای غیرقابل مشاهده خاص هر مقطع (کشور) و وجود متغیر وابسته در متغیرهای توضیحی مشکل اساسی باشد بایستی

از تخمین‌زن گشتاور تعمیم‌یافته (GMM)، که مبتنی بر الگوهای پویای پنبلی است استفاده کرد. البته بالتاجی<sup>۵۸</sup> (۲۰۰۸) زمانی استفاده از این روش را مجاز می‌داند که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) از تعداد سال‌ها (T) بیش‌تر باشد (در این مطالعه این شرط رعایت شده است و تعداد مقاطع یعنی بانک‌ها ۲۶ و دوره زمانی ۱۱ سال می‌باشد). برای تخمین مدل با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته بایستی ابتدا متغیرهای ابزاری به‌کار رفته در الگو را مشخص نمود. به‌وسیله آزمون‌های آرانو و بور<sup>۵۹</sup> (۱۹۹۵) و بلوندل و باند<sup>۶۰</sup> (۱۹۹۸) می‌توان فرض نبود همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها را بررسی نمود که برقراری این شرط به‌معنای سازگاری تخمین‌زننده GMM می‌باشد. میلوا<sup>۶۱</sup> (۲۰۰۷) استفاده از نسخه تعمیم‌یافته GMM<sup>۶۲</sup> را زمانی پیشنهاد می‌کند که سطوح وقفه‌دار برآوردگرها متغیر ابزاری ضعیفی برای تفاضل مرتبه اول برآوردگرها باشد. برآوردکننده GMM سیستمی به‌منظور افزایش کارایی برآورد از معادله اولیه که همان سطح متغیرها می‌باشد برای به‌دست آوردن یک سیستم دو معادله‌ای که شامل معادله تفاضلی و معادله در سطح است استفاده می‌کند. روش GMM سیستمی که توسط آرانو و بور (۱۹۹۵) و بلوندل و باند (۱۹۹۸) بیان شد به‌جای یک متغیر از یک رابطه به‌عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌کند. روابط (۲) و (۳) دو شرط گشتاوری برای برآورد پارامترها را نشان می‌دهد.

$$E[Y_{it-s}(\delta_i + U_{i,t})] \quad (۲)$$

$$E[X_{i,t-1}(\delta_i + U_{i,t})] \quad (۳)$$

مزیت‌های این روش نسبت به سایر روش‌ها به‌طور خلاصه به‌شکل زیر می‌باشد:

- (۱) مجاز بودن ناهمسانی واریانس
- (۲) به عقیده گرین<sup>۶۳</sup> (۲۰۰۸) تمامی متغیرهای رگرسیون که با جز اخلال همبستگی ندارند می‌توانند به‌عنوان متغیر ابزاری انتخاب شوند.
- (۳) متغیرهایی مانند فرهنگ، مذهب، اقلیم و قومیت که در طی زمان ثابت هستند باعث ایجاد تورش در تخمین مدل می‌شوند. بالتاجی (۲۰۰۸) در این رابطه بیان می‌کند که کاربرد روش GMM سیستمی باعث خواهد شد تا تاثیر عوامل یاد شده با تفاضل گرفتن از آمارها حذف شوند.

(۴) استفاده از متغیرهای وابسته وقفه‌دار هم‌خطی در مدل را کاهش یا از بین می‌برد. بنابراین مزیت رفع هم‌خطی از دیگر ویژگی‌های این روش می‌باشد (ندیری و محمدی<sup>۶۴</sup>: ۱۳۹۰، ص ۸).

(۵) سیائو<sup>۶۵</sup> (۲۰۰۳) در بیان ویژگی‌های رهیافت GMM سیستمی به لحاظ شدن تاثیر تمام عوامل مشاهده نشده ثابت زمانی که تفاوت‌های بین مقطعی (کشوری) و تفاوت در متغیر وابسته را نشان می‌دهند در برآورد، اشاره می‌کند.<sup>۶۶</sup>

در این پژوهش از مدل رابطه (۴) برای بررسی ارتباط درآمد مشاع با عوامل موثر بر آن بهره گرفته شده است.

(۴)

$$nre_{it} = anre_{it-1} + \beta_1 liq_t + \beta_2 roa_t + \beta_3 inv_t + \beta_4 inf_t + \beta_5 gdp_t + \beta_6 bar_t + \beta_7 ebk_t + \beta_8 pps_t + \beta_9 hum_t + \varepsilon_{it}$$

در رابطه فوق منظور از NRE؛ درآمدهای غیرمشاع بانکها (میلیارد ریال)، LIQ؛ نقدینگی بانکها (میلیارد ریال)، ROA؛ بازده دارایی‌های بانکها، INV؛ حجم سرمایه‌گذاری مستقیم (میلیارد ریال)، BAR؛ تعداد شعب بانکها، PPS؛ تعداد شعب سوئیفتی، EBK؛ شاخص برخورداری از زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک، HUM؛ سرمایه انسانی بانکها، INF؛ تورم و GDP؛ تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال) می‌باشد. همچنین  $\varepsilon_{it}$  جز اخلاص الگو می‌باشد.

#### ۴- نتایج پژوهش

گام نخست در برآورد مدل‌های پنل پویا، کسب اطمینان از مانایی متغیرهای مورد استفاده در برآورد است. بدین منظور از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC) استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون بیانگر نایستایی متغیر مورد نظر می‌باشد. از این رو قبول فرضیه صفر به معنای نایستایی متغیر و رد آن به معنای ایستایی متغیر خواهد بود. این آزمون ضمن توانایی بالا در بررسی ایستایی متغیرها از قابلیت کاربرد برای پنل نامتوازن برخوردار است. جدول (۱) نتایج آزمون ریشه واحد را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد تمامی متغیرها در سطح ۵ درصد ایستا می‌باشند. در جدول (۲) ایستایی متغیرهای تولید ناخالص داخلی (GDP) و تورم (INF) که به صورت متغیرهای کنترلی در الگو مورد استفاده قرار گرفته‌اند به وسیله آزمون ریشه واحد KPSS در حالت عرض از مبدا و روند بررسی شده‌اند.

**جدول ۱- نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو**

متغیر	آماره	مقدار احتمال
ROA	-۱۳/۹۸	۰/۰۰
LIQ	-۷/۲۳	۰/۰۰
NRE	-۱۴/۳۹	۰/۰۰
INV	-۲/۳۱	۰/۰۱
BAR	-۸/۳۳	۰/۰۰
PPS	-۳/۴۹	۰/۰۰
EBK	-۳/۱۳	۰/۰۰
HUM	-۲/۱۹	۰/۰۱۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

**جدول ۲- نتایج آزمون ریشه واحد KPSS**

نام متغیر	مقدار آماره آزمون KPSS*
GDP	۰/۰۹
INF	۰/۱۳۱

\*مقادیر بحرانی آماره آزمون KPSS در سطوح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد در حالت با عرض از مبدا و روند به ترتیب برابر با ۰/۲۱۶، ۰/۱۴۶ و ۰/۱۱۹ است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد متغیر کنترلی تولید ناخالص داخلی در هر ۳ سطح معناداری و متغیر کنترلی تورم در ۲ سطح معناداری ۵ و ۱ درصد ایستا هستند و فرضیه صفر آزمون KPSS که دلالت بر ایستایی متغیرها می‌باشد را نمی‌توان رد کرد. از آن‌جا که تمامی متغیرهای پژوهش در سطح مانا شده‌اند، بنابراین نیازی به انجام آزمون هم-جمعی نمی‌باشد. در مرحله بعد تاثیر عوامل موثر بر درآمد غیرمشاع بانک‌ها آزمون و در جدول (۳) گزارش شده است.

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد متغیرهای نقدینگی، سطح سرمایه‌گذاری مستقیم، تعداد شعب و تعداد شعب سوئیفتی بر روی درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها بی‌تاثیر هستند. متغیرهای بازده دارایی‌ها، تولید ناخالص داخلی، بانکداری الکترونیک و نیروی انسانی دارای تاثیر مثبت و تورم تاثیر منفی و معنی‌داری بر درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها دارند. بیش‌ترین اثر بر درآمدهای غیرمشاع بانک-

ها را متغیرهای بازده دارایی‌ها و نیروی انسانی دارند. در جدول (۴) نیز نتایج آزمون سارگان جهت بررسی صحت اعتبار متغیرهای ابزاری نشان داده شده است. باستی توجه نمود که در این مطالعه از روش تک مرحله‌ای برای تخمین مدل GMM سیستمی استفاده شده است. بنابراین نیازی به انجام آزمون آرلانو- باند جهت بررسی عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول و دوم در الگو نیست. همچنین به دلیل آن که در مطالعه حاضر روش robust در برآورد انحراف استانداردها به کار گرفته شده است بنابراین نیازی به انجام آزمون‌های ناهمسانی واریانس نمی‌باشد.

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

نام متغیر	ضریب	آماره z	سطح احتمال
وقفه اول درآمد غیرمشاع	-۰/۰۰۵	-۱/۰۱	۰/۰۵۳*
نقدینگی	۰/۲۱	۰/۹۶	۰/۳۷
بازده دارایی‌ها	۵۸/۶۴	۱/۸۲	۰/۰۶۹*
سطح سرمایه‌گذاری مستقیم	-۲۴/۹۶	-۰/۸۲	۰/۴۱۴
تورم	-۰/۴۴	-۱/۷۵	۰/۰۸۱*
تولید ناخالص داخلی	۰/۰۱۳	۱/۶۸	۰/۰۹۴*
تعداد شعب	-۱۳/۸۶	-۱/۳۳	۰/۱۸۴
بانک‌داری الکترونیک	۳/۴۲	۲/۹۶	۰/۰۰۳***
شعب سوئیفتی	۰/۰۰۰۰۷	۰/۳۳	۰/۷۳۹
نیروی انسانی	۱۳/۴۹	۲/۵۱	۰/۰۱۲**

\*, \*\*, \*\*\* به ترتیب معنی داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴- نتایج آزمون سارگان

آزمون	آماره z	سطح احتمال
سارگان	۲۸/۲۱	۰/۳۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۵- نتیجه‌گیری

درآمدهای غیرمشاع بانک به واسطه دریافت کارمزد خدمات ارائه شده و ارائه مشاوره‌های مالی و سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود. از جمله این درآمدها: خدمات اعتبار اسنادی، خدمات ضمانت‌نامه بانکی، خدمات بانکداری الکترونیک، خدمات ارزی، کارمزد نگهداری اسناد و اوراق بهادار مشتریان،

صدور انواع چک‌ها و غیره می‌باشد. درآمدهای غیرمشاع تأثیر بیش‌تری در سودآوری بانک‌ها به‌عنوان یک درآمد نقدی از خود نشان می‌دهد. همین امر باعث شده تا بانک‌ها به اهمیت کسب این درآمد پی‌برده و با تبلیغات خدمات متنوع خود سعی در کسب سهم بیش‌تر از این نوع درآمد در بازار باشند. بررسی صورت‌های مالی ارائه شده بانک‌ها این مهم را نشان می‌دهد که درآمدهای غیرمشاع هر سال نسبت به سال قبل آن‌ها افزایش یافته است و بانک‌ها در به‌دست آوردن این نوع درآمد تلاش زیادی انجام داده‌اند. در واقع این درآمدها نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها چه میزان خدمات محور بوده است؛ یعنی بانک‌ها با انجام فعالیت‌های اقتصادی به چه میزان در ارائه خدمات بانکی موفق عمل کرده‌اند.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۳) لازم است ابتدا به این نکته اساسی و مهم در خصوص درآمدها غیرمشاع بانکی اشاره شود که بانک‌ها همواره سه اصل امنیت، نقدینگی و منفعت را در سرلوحه امور خود قرار داده‌اند. اما عدم معنی‌داری ضریب نقدینگی بدان معنی است که نقدینگی به‌منزله بالابردن خدمات بانکی و تامین اصول موضوعه بانکی نیست. یعنی یک بانک خصوصی و تازه تاسیس که دارای حجم نقدینگی کم‌تری نسبت به یک بانک بزرگ دولتی با قدمتی طولانی می‌باشد، ممکن است به‌نحوی خدمات خود را ارائه دهد که درآمدهای غیرمشاع بیش‌تری کسب کند. درواقع بی‌معنی بودن ضریب نقدینگی نشان می‌دهد که عناصری مانند اندازه بانک (منظور انباشت پولی و نقد بانک است)، قدمت، حجم سرمایه و حجم سهام فروخته شده توسط بانک عوامل تعیین‌کننده‌ای در جذب درآمدهای غیرمشاع نبوده‌اند؛ بلکه نوع عملکرد خدماتی بانک پارامتر مهمی در افزایش درآمدهای غیرمشاع بانک می‌باشد. بر این اساس بانک‌ها بایستی نقدینگی را به‌گونه‌ای صحیح مدیریت کنند تا موجبات افزایش خدمات بانک‌ها را فراهم آورد.

النیمر و همکاران<sup>۶۷</sup> (۲۰۱۵) معتقدند بازده دارایی‌ها نشان دهنده توانایی و کارایی مدیریت در استفاده از دارایی‌های شرکت برای تولید سود عملیاتی است. علامت مثبت و معنی‌دار متغیر بازده دارایی‌ها در جدول (۳) حاکی از مدیریت بهینه در استفاده از دارایی‌ها توسط بانک‌هاست. درواقع بانک‌ها با استفاده و مدیریت درست و کارا از دارایی‌های خود توانسته‌اند درآمدهای غیرمشاع خویش را افزایش دهند.

امروزه این انتظار از سیستم بانکی وجود دارد که ضمن کوشش در جذب سپرده‌های بخش خصوصی، بهترین، مفیدترین و سالم‌ترین روش تخصیص اعتبارات به بخش‌های مختلف اقتصادی را برگزیند. هنگامی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم یک بانک مفید و بهینه خواهد بود که بانک در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کند و به‌عبارت دیگر به‌گونه‌ای بنگاه‌داری کند که موجبات افزایش

درآمد غیرمشاع برای بانک فراهم شود. حال با توجه به اینکه ضریب سطح سرمایه‌گذاری مستقیم از معنی‌داری لازم برخوردار نیست، این واقعیت آشکار خواهد شد که نوع عملکرد بانک در سرمایه‌گذاری مستقیم در بنگاه‌هایی که توسط بانک تملک شده است و یا فعالیت‌هایی که سیستم بانکی در آن‌ها به‌طور مستقیم فعالیت اقتصادی داشته است، به نحوی نبود است که بتواند سرمایه‌گذاری مستقیم نتوانسته درآمد غیرمشاع بانک را افزایش دهد.

سوئیفت به عنوان یک خدمت روزآمد بانکداری بین‌المللی، جهت سرعت بخشیدن به انجام معاملات ارزی و جلب رضایت مشتریان و همچنین هماهنگی تمام عملیات ارزی در سطح جهانی با استفاده از یک نرم‌افزار استاندارد مورد توجه واقع گردیده است. افزایش و گسترش فعالیت بانک‌ها در شبکه سوئیفت نوید افزایش درآمدهای غیرمشاع را می‌دهد زیرا یکی از خدمات اصلی بانک‌های متصل به شبکه سوئیفت به بخش تجارت بین‌الملل در اصل تراکنش‌های ارزی می‌باشد. هرچه فعالیت در این سیستم بیش‌تر باشد تعداد شعب سوئیفتی افزایش خواهد یافت. عدم معنی‌داری شعب سوئیفتی دو دلیل عمده می‌تواند داشته باشد. اولاً عدم آشنایی مشتریان با خدمات سوئیفت باعث شده است که بانک‌های کشور به‌طور گسترده در شبکه سوئیفت فعالیت نداشته باشند. ثانیاً تحریم‌های سیاسی موجود در بازه زمانی مورد تحقیق<sup>۶۸</sup> باعث عدم دسترسی بانک‌های کشور به شبکه سوئیفت شده است.

رابطه مثبت و معنی‌دار سرمایه‌انسانی با درآمد غیرمشاع بانک‌ها نشان می‌دهد که بانک‌ها از سرمایه‌انسانی خود به‌گونه‌ای مناسب و شایسته در راستای سودآوری بهره می‌گیرند. به‌عبارتی چنین برداشتی می‌توان نمود که درآمدی که به‌واسطه نیروی انسانی تحصیل کرده ایجاد می‌شود، می‌تواند تاثیر مثبت و معنی‌داری بر درآمدهای غیرمشاع بانکی داشته باشد.

همچنین در این تحقیق و براساس نتایج برآورد، بین متغیر تورم و درآمد غیرمشاع بانک‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. تورم با کاهش ارزش پول و در سطوح بالا با کاهش و منفی کردن نرخ بهره واقعی انگیزه پس‌انداز را کاهش داده و موجب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. اگر نرخ تورم بالا باشد آثار نامطلوبی بر ثبات اقتصاد کشور داشته و منجر به کاهش اطمینان برای برنامه‌ریزی در بخش‌های اقتصادی می‌گردد و این کاهش موجب نزول درآمدهای غیرمشاع بانک می‌گردد.

جلیلف و پی‌اس<sup>۶۹</sup> (۲۰۱۶) رشد تولید ناخالص داخلی و تورم را به‌عنوان متغیرهای نهادی و کلان اقتصاد، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها می‌دانند. به‌نظر ایشان سودآوری و افزایش درآمد بانک‌ها به رشد تولید ناخالص داخلی حساس است. یعنی در طول دوره‌های رونق اقتصادی تقاضا برای وام‌ها افزایش می‌یابد که موجب ایجاد رابطه مثبت بین رشد تولید ناخالص



داخلی و سودآوری کلی بانک‌ها می‌شود. از سوی دیگر در طول دوره‌های رکود اقتصادی که رشد تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد، سودآوری بانک‌ها به دلیل نزول کیفیت اعتبار آن‌ها تنزل می‌یابد. بنابراین این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که رشد اقتصادی از کانال تاثیرگذاری بر فعالیت‌های بازاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، در درآمدزایی غیرمشاع بانک‌ها نمایان می‌شود.

کسب سود به وسیله عملیات واسطه‌گری مالی باعث می‌گردد تا بانک‌ها این انگیزه را پیدا نمایند تا شعب جدید در مناطق مختلف ایجاد کنند. موسوی و همکاران<sup>۷۰</sup> (۱۳۹۳) معتقدند که با توسعه فیزیکی شعب بانک‌ها، دسترسی به خدمات مالی برای مردم کم هزینه‌تر، راحت‌تر و بهتر خواهد بود. نتیجه این امر باعث خواهد شد مردم ترجیح دهند تا بخشی از نقدینگی خود را به صورت سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک‌ها نگهداری کنند و برای امور جاری و سرمایه‌ای، مراجعه و اتکال بیشتری به بانک داشته باشند که تقویت این فرآیند، درآمد غیرمشاع آن‌ها را افزایش می‌دهد. اما در ایران همواره دو مشکل عمده در ارتباط با تعداد شعب بانکی یا به عبارتی اندازه و بزرگی بانک وجود داشته است. اولین مشکل به ازدیاد شعب بانک‌ها بر می‌گردد و مشکل دوم مربوط به عدم مکان‌یابی بهینه شعب می‌باشد. در واقع مکان‌یابی و نوع تعبیه لجستیکی شعب به گونه‌ای نبوده است که موجبات افزایش درآمدهای غیرمشاع را فراهم آورد. نتایج این پژوهش نیز گواه این مدعا می‌باشد.

بانکداری الکترونیک اجازه تعامل با بانک، بدون واسطه و از طریق کانال‌های متنوعی از قبیل اینترنت، موبایل، دستگاه‌های خودپرداز، تلویزیون هوشمند و تلفن را به مشتریان می‌دهد. عدم نیاز به حضور فیزیکی افراد به منظور برخورداری از خدمات مالی مختلف و همچنین ارائه خدمات الکترونیکی مختلف از سوی بانک‌ها باعث سهولت دسترسی به خدمات و نیز تنوع ارائه خدمات شده است که موجب کاهش هزینه و زمان مشتریان خواهد شد. مبرهن است که گسترش بانکداری الکترونیک به واسطه سهولت دسترسی مشتریان به خدمات بانکی موجب افزایش درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها می‌شود. علامت مثبت و معنی‌دار شاخص بانکداری الکترونیک در جدول (۳) نیز این ادعا را به اثبات می‌رساند.

### فهرست منابع

- ۱) احتشام راثی، رضا و محرابی، جواد (۱۳۹۵). تاثیر فناوری اطلاعات بر بهبود عملکرد سازمانی در سیستم‌های هوشمند بانکداری (مطالعه موردی: بانک صادرات شعب تهران)، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۷(۲۱)، ۷۱-۵۵.
- ۲) اسدزاده، احمد و کیانی، هیوا (۱۳۹۱). تأثیر به کارگیری دستگاه‌های خودپرداز، پایانه‌ی فروش و شعب بر سودآوری بانک‌های منتخب ایران، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۲۹ و ۳۰، ۱۸۱-۲۰۶.
- ۳) امینی، صفیاری، محمدی، سمیه و فخرحسینی، سیدفخرالدین (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر جذب سپرده‌های بانکی، بانکهای منتخب با تأکید بر بانک صادرات ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۳(۶)، ۱۵۹-۱۷۲.
- ۴) جعفری، عباس (۱۳۹۱)، درآمدهای غیر مشاع، پتانسیل سودآوری و کاهش ریسک، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۲۱، دی ۱۳۹۱، ص ۴۰-۴۲.
- ۵) حسینی، شمس‌الدین و فرامرزی‌عباد، حمید (۱۳۹۵). بررسی تاثیر بانکداری الکترونیکی بر بازدهی حقوق صاحبان سهام در بانک‌های منتخب در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۳۵)، ۱۴۷-۱۶۹.
- ۶) شمسایی، داود، محمودیان‌زاده، رامین، خلیل ارجمندی، مرتضی و رخشان، مجاهد (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین نقدینگی بر سودآوری در بانک‌های خصوصی منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۲(۳)، ۱۱۴-۱۲۲.
- ۷) عباس‌زاده، محمدرضا، کوهی، حسن و دستجردی، حسین (۱۳۹۳). بررسی عملکرد بانکداری الکترونیکی در بانک‌های ایران با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها و تحلیل مولفه‌های اصلی، فصلنامه روند، ۲۱(۶۷)، ۵۷-۱۰۰.
- ۸) فرهنگ، امیرعلی، اثنی‌عشری، ابوالقاسم، ابوالحسنی، اصغر، رنجبر فلاح، محدرضا و بیابانی، جهانگیر (۱۳۹۵). درآمد غیربهره‌ای، ریسک و سودآوری در صنعت بانکداری، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۳(۳۵)، ۷۰-۴۷.
- ۹) فطرس، محمدحسین و بیگی، تورج (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی اثرات سرمایه‌ی فکری بر عملکرد سازمانی صنعت بانکداری ایران در دو بخش دولتی و خصوصی؛ مطالعه‌ی موردی: بانک‌های شهر تهران، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱(۳۸)، ۱۰۱-۱۲۵.
- ۱۰) موسوی، میرحسین، شهابی، علی و نعمت‌پور، معصومه (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین عرضه پول و گسترش شعب بانکی، فصلنامه اقتصاد مالی، ۸(۲۸)، ۱۲۱-۱۳۶.

- (۱) نمازی، محمد و ابراهیمی، شهلا (۱۳۸۹). بررسی کارایی بانک‌های ایران با استفاده از تکنیک DEA به روش پله‌ای، نشریه مدیریت صنعتی، ۲(۵)، ۱۷۴-۱۵۹.
- (۱۲) ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰). بررسی تاثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش داده‌های تابلویی پویا، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، ۵(۱۵)، ۱-۲۴.
- 13) Arellano, M., & Bover, O. (1995). Another look at the instrumental variable estimation of error-components models. *Journal of econometrics*, 68(1), 29-51.
- 14) Alalaya, M., & Al Khattab, S. A. (2015). A Case Study in Business Market: Banks Profitability: Evidence from Jordanian Commercial Banks (2002-2015). *International Journal of Business Management and Economic Research (IJBMER)*, 6(4), 2015.
- 15) Aziz, A. I., Sharif, A. A., & Salih, D. G. (2017). Liquidity management and profitability in Islamic Banks in Kurdistan Region of Iraq, Cihan Bank for Islamic Investment and Finance as a case Study.
- 16) Al Nimer, M., Warrad, L., & Al Mari, R. (2015). The Impact of liquidity on Jordanian banks profitability through return on assets. *European Journal of Business and Management*, 7(7), 229-232.
- 17) Akhisar, İ., Tunay, K. B., & Tunay, N. (2015). The effects of innovations on bank performance: The case of electronic banking services. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 195, 369-375.
- 18) De Bandt, O., & Davis, E. P. (2000). Competition, contestability and market structure in European banking sectors on the eve of EMU. *Journal of Banking & Finance*, 24(6), 1045-1066.
- 19) Bashir, A. H. M. (2003). Determinants of profitability in Islamic banks: Some evidence from the Middle East. *Islamic economic studies*, 11(1), 31-57.
- 20) Bontis, N. (2002), Managing Organizational Knowledge by Diagnosing Intellectual Capital: Framing and Advancing the State of the Field, *International Journal of Technology Management*, Vol. 18, No. 5/6/7/8, 433-462.
- 21) Bikker, J. A., & Haaf, K. (2002). Competition, concentration and their relationship: An empirical analysis of the banking industry. *Journal of Banking & Finance*, 26(11), 2191-2214.
- 22) Blundell, R., & Bond, S. (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of econometrics*, 87(1), 115-143.
- 23) Baltagi, B. (2008). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons.
- 24) Barro, R. J., & Lee, J. W. (1996). International measures of schooling years and schooling quality. *The American Economic Review*, 86(2), 218-223.
- 25) Colombo, M. G., & Grilli, L. (2005). Founders' human capital and the growth of new technology-based firms: A competence-based view. *Research policy*, 34(6), 795-816.
- 26) Casu, B., Girardone, C., & Molyneux, P. (2006). *Introduction to Banking*: Prentice Hall Financial Times.

- 27) Djalilov, K., & Piesse, J. (2016). Determinants of bank profitability in transition countries: What matters most?. *Research in International Business and Finance*, 38, 69-82.
- 28) Fotros, M., & beygi, T. (2010). Comparative study of the effects of intellectual capital on organizational performance Iran's banking industry in two public and private sectors; Case Study: Tehran City Banks. *Journal of Executive Management*, 1(38), 101-125 (in Persian).
- 29) Gorton, G. B., & Winton, A. (2016). Liquidity provision, bank capital, and the macroeconomy.
- 30) Greene, W. H. (2008). *Econometric analysis – sixth edition*. New Jersey, Upper Saddle River: Pearson International.
- 31) Hsu, D. H. (2007). Experienced entrepreneurial founders, organizational capital, and venture capital funding. *Research Policy*, 36(5), 722-741.
- 32) Halkos, G. E., & Salamouris, D. S. (2004). Efficiency measurement of the Greek commercial banks with the use of financial ratios: a data envelopment analysis approach. *Management accounting research*, 15(2), 201-224.
- 33) Hsiao, C. (2003). *Analysis of Panel Data*, 2nd edn. Econometric Society Monograph 36.
- 34) Jim Wu, Y. C., & Huei Chou, Y. (2007). A new look at logistics business performance: intellectual capital perspective. *the international journal of logistics management*, 18(1), 41-63.
- 35) Luthans, F., & Youssef, C. M. (2004). Human, social, and now positive psychological capital management:: Investing in people for competitive advantage. *Organizational dynamics*, 33(2), 143-160.
- 36) Lu, W. M., Wang, W. K., Tung, W. T., & Lin, F. (2010). Capability and efficiency of intellectual capital: The case of fabless companies in Taiwan. *Expert Systems with Applications*, 37(1), 546-555.
- 37) Meihami, B., Varmaghani, Z., & Meihami, H. (2013). The effect of using electronic banking on profitability of bank. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4(12), 1299-131.
- 38) Mileva, E. (2007). Using Arellano-Bond dynamic panel GMM estimators in Stata. *Economics Department, Fordham University*, 1-10.
- 39) Nawaz, T., Nawaz, T., Haniffa, R., & Haniffa, R. (2017). Determinants of financial performance of Islamic banks: An intellectual capital perspective. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 8(2), 130-142.
- 40) Patel, J., & Bhanushali, K. (2017). COMPARATIVE STUDY OF PROFITABILITY OF NATIONALISED BANKS AND PRIVATE SECTOR BANKS.
- 41) Petria, N., Capraru, B., & Ihnatov, I. (2015). Determinants of banks' profitability: evidence from EU 27 banking systems. *Procedia Economics and Finance*, 20, 518-524.
- 42) Roos, G., & Roos, J. (1997). Measuring your company's intellectual performance. *Long range planning*, 30(3), 413-426.
- 43) Siam, A. Z. (2006). Role of the electronic banking services on the profits of Jordanian banks. *American Journal of Applied Sciences*, 3(9), 1999-2004.

- 44) Trujillo-Ponce, A. (2013). What determines the profitability of banks? Evidence from Spain. *Accounting & Finance*, 53(2), 561-586.
- 45) Tunay, K. B., Tunay, N., & Akhisar, İ. (2015). Interaction between Internet banking and bank performance: The case of Europe. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 195, 363-368.
- 46) Tabak, B. M., Fazio, D. M., Ely, R. A., Amaral, J. M., & Cajueiro, D. O. (2017). The effects of capital buffers on profitability: An empirical study. *Economics Bulletin*, 37(3), 1468-1473.
- 47) Xiaopeng, Z., Si, C., & Ying, S. (2011). A Study of the Intellectual Capital's Impact on Listed Banks' Performance in China. *African Journal of Business Management*, 5(12), 5001-5009.
- 48) Wang, Y. S., Wu, S. C., Lin, H. H., Wang, Y. M., & He, T. R. (2012). Determinants of user adoption of web'Automatic Teller Machines': an integrated model of'Transaction Cost Theory'and'Innovation Diffusion Theory'. *The Service Industries Journal*, 32(9), 1505-1525.
- 49) Zerenler, M., Hasiloglu, S. B., & Sezgin, M. (2008). Intellectual capital and innovation performance: empirical evidence in the Turkish automotive supplier. *Journal of technology management & innovation*, 3(4), 31-40

#### یادداشت‌ها

---

- <sup>1</sup> Trujillo-Ponce
- <sup>2</sup> Patel & Bhanushali
- <sup>3</sup> Farhang (2016)
- <sup>4</sup> Gorton and Winton
- <sup>5</sup> Tunay, et al.
- <sup>6</sup> Wang, et al.
- <sup>7</sup> Meihami, et al.
- <sup>8</sup> Hoseini and Faramarzy ebad (2016)
- <sup>9</sup> Ehtesham Racy and Mehrabi (2016)
- <sup>10</sup> Bontis
- <sup>11</sup> Roos & Roos
- <sup>12</sup> Luthans and Youssef
- <sup>13</sup> Colombo and Grilli
- <sup>14</sup> Hsu
- <sup>15</sup> Wu and Chou
- <sup>16</sup> Zou and Huan
- <sup>17</sup> NAWAZ, et al.
- <sup>18</sup> Amini, et al. (2009)
- <sup>19</sup> Halkos and Salamouris
- <sup>20</sup> Aziz, et al.
- <sup>21</sup> Casu, et al.
- <sup>22</sup> Petria, et al.
- <sup>23</sup> capital adequacy
- <sup>24</sup> market concentration
- <sup>25</sup> Tabak, et al.

- <sup>26</sup> Sha, sayi, et al. (2016)  
<sup>27</sup> مراجعه شود به Ali, 2004; Bordeleau & Graham, 2010; Rasul, 2013; Shahchera, 2012; Aziz, et al., 2017
- <sup>28</sup> siam  
<sup>29</sup> Zerenler, et al.  
<sup>30</sup> Lu, et al.  
<sup>31</sup> Zou and Huan  
<sup>32</sup> Akhisar, et al.  
<sup>33</sup> Petria, et al.  
<sup>34</sup> Alalaya and Al Khattab  
<sup>35</sup> pooled OLS regression of a cross-sectional series  
<sup>36</sup> pooled OLS  
<sup>37</sup> fixed effects method  
<sup>38</sup> Aziz, et al.  
<sup>39</sup> Pearson correlation  
<sup>40</sup> NAWAZ, et al.  
<sup>41</sup> Value Added Intellectual Coefficient  
<sup>42</sup> capital employed efficiency (CEE)  
<sup>43</sup> human capital efficiency (HCE)  
<sup>44</sup> structural capital efficiency (SCE)  
<sup>45</sup> Tabak, et al.  
<sup>46</sup> net interest income  
<sup>47</sup> Fotros and beygi (2010)  
<sup>48</sup> Namazi and Ebrahimi(2010)  
<sup>49</sup> Stepwise  
<sup>50</sup> Assadzadeh and Kiani (2012)  
<sup>51</sup> Abbaszadeh, et al. (2014)  
<sup>52</sup> De Bandt, O., & Davis, E. P.  
<sup>53</sup> Bikker, J. A., & Haaf, K.  
<sup>54</sup> Jafari (2013)  
<sup>55</sup> Return on Asset (ROA)  
<sup>56</sup> این نسبت که در حقیقت سود به ازای هر واحد از دارایی‌های را نشان می‌دهد، نشان‌دهنده میزان توانایی بانک در مدیریت منابع مالی و واقعی است (بشیر، ۲۰۰۳، ص ۳۲).
- <sup>57</sup> Barro and Lee  
<sup>58</sup> Baltagi  
<sup>59</sup> Arellano and Bover  
<sup>60</sup> Blundell and Bond  
<sup>61</sup> Mileva  
<sup>62</sup> System GMM  
<sup>63</sup> Greene  
<sup>64</sup> nadiri and mohammadi (2011)  
<sup>65</sup> Hsiao  
<sup>66</sup> استفاده از بعد زمانی سری آماری امکان لحاظ شدن تاثیر تمام عوامل مشاهده نشده ثابت زمانی در برآورد را فراهم می‌کند.
- <sup>67</sup> Al Nimer et.al.  
<sup>68</sup> ۲۷ اسفند ۱۳۹۰، تاریخ قطع سیستم سونیتف بانک مرکزی ایران در راستای تحریم‌های اتحادیه اروپا است.
- <sup>69</sup> Djalilov & Piesse  
<sup>70</sup> mousavi (2014)